

## 12. Sonntag nach Trinitatis

Das geknickte Rohr wird er nicht zerbrechen, und den glimmenden Docht wird er nicht auslöschen.

او نی خمیده را نخواهد شکست و چراغ کم نور را خاموش نمی‌کند.

Jesaja 42,3

### Eingangspsaln (Introitus)

Gesangbuch: 057 (Seite 174)

وقتی آن روز برسد، آدمهای کر می‌توانند کتابی را که بلند خوانده می‌شود، بشنوند و ناپینایانی که در تاریکی زندگی می‌کنند، چشمانشان باز شده و خواهند دید.

خداوند را سپاس باد! چه نیکو است که خداوند را با سراییدن سرود ستایش کنیم، ستایش خداوند بسیار مناسب و لذت بخش است.

او دلشکستگان را تسلی می‌دهد و بر زخمهای ایشان مرهم می‌گذارد.

خداوند ما بزرگ و قدرتش عظیم است، دانش و حکمت او بی‌کران است.

خداوند، مسکینان را برمی‌افرازد، و شریبان را سرنگون می‌کند.

بلکه رضامندی او از کسانی است که او را گرامی می‌دارند و به محبت پایدار او توکل می‌کنند.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Zu der Zeit werden die Tauben hören die / Worte des Buches, \* und die Augen der Blinden werden aus Dunkel und Fin- / sternis sehen.

Lobet den HERRN! Denn unsern Gott loben, das / ist ein köstlich Ding, \* ihn loben ist / schön und lieblich.

Er heilt, die zer- / brochenen Herzens sind, \* und verbindet / ihre Wunden.

Unser Herr ist groß / und von großer Kraft, \* und unbegreiflich ist, wie / er regiert.

Der HERR richtet die / Elenden auf \* und stößt die Gottlo- / sen zu Boden.

Der HERR hat Gefallen an denen, / die ihn fürchten, \* die auf seine / Güte hoffen.

Ehre sei dem Vater / und dem Sohne \* und dem Hei- / ligen Geiste,

wie es war im Anfang, / jetzt und immerdar \* und von Ewigkeit zu E- / wigkeit. Amen.

## Lesung aus dem Alten Testament

Jesaja 29,17-24

- 17 همان‌طور که ضرب‌المثل معروف می‌گوید: بزودی جنگلهای انبوه، کشتزار و زمینهای زراعتی دوباره جنگل می‌شوند.
- 18 وقتی آن روز برسد، آدمهای گری می‌توانند کتابی را که بلند خوانده می‌شود، بشنوند و نابینایانی که در تاریکی زندگی می‌کنند، چشمانشان باز شده و خواهند دید.
- 19 فقیران و افتادگان بار دیگر خوشی‌ای را که خداوند، خدای قدّوس اسرائیل، می‌دهد خواهند یافت.
- 20 آنهایی که به دیگران ستم می‌کنند و به خدا ناسزا می‌گویند، از بین خواهند رفت و تمام گناهکاران نابود می‌شوند.
- 21 خدا اینها را نابود خواهد کرد: کسانی که به دیگران افترا و تهمت می‌زنند، آنهایی که مانع مجازات جنایتکاران می‌شوند و یا با دروغ نمی‌گذارند مردمان امین و صالح به حقّ خود برسند.
- 22 پس اکنون خداوند، خدای اسرائیل که ابراهیم را از سختی‌ها رها کنید، می‌گوید: «ای قوم من، شما بیش از این بی‌آبرو نخواهید شد، و صورتهای شما دیگر از شرم، رنگ‌پریده نخواهد بود.
- 23 وقتی فرزندان را که من به شما می‌دهم ببینید، آنگاه پی خواهید برد که من خدای قدّوس اسرائیل هستم. شما با ترس و حرمت، احترام مرا نگاه خواهید داشت.
- 24 مردمان احمق یاد می‌گیرند و می‌فهمند و آنهایی که همیشه گله و شکایت می‌کنند، از یادگیری خوشحال خواهند بود.»

## Lesung aus einem neutestamentlichen Brief

Apostelgeschichte 9,1-9[10-20]

- 1 شائول از تهدید و کشتن پیروان خداوند به هیچ نحوی دست بردار نبود. او پیش کاهن اعظم رفت
- 2 و تقاضای معرفی نامه‌هایی برای کنیسه‌های دمشق کرد تا چنانچه مرد یا زنی را از اهل طریقت پیدا کند آنها را دستگیر کرده به اورشلیم آورد.
- 3 شائول هنوز به دمشق نرسیده بود، که ناگهان نزدیک شهر نوری از آسمان در اطراف او تابید.
- 4 او به زمین افتاد و صدایی شنید که می‌گفت: «ای شائول، شائول، چرا بر من جفا می‌کنی؟»
- 5 شائول پرسید: «خداوند تو کیستی؟» پاسخ آمد: «من عیسی هستم، همان کسی که تو بر او جفا می‌کنی،»
- 6 ولی برخیز و به شهر برو و در آنجا به تو گفته خواهد شد که چه باید بکنی.»
- 7 در این هنگام همسفران شائول خاموش ماندند، زیرا اگرچه صدا را می‌شنیدند، ولی کسی را نمی‌دیدند.
- 8 پس شائول از زمین برخاست و با اینکه چشمانش باز بود، چیزی نمی‌دید. دستش را گرفتند و او را به دمشق هدایت کردند.
- 9 در آنجا سه روز نابینا ماند و چیزی نخورد و ننوشید.
- 10 یکی از ایمانداران به نام حناتیا در شهر دمشق زندگی می‌کرد. خداوند در رؤیا به او ظاهر شد و فرمود: «ای حناتیا.»
- 11 او پاسخ داد: «بله ای خداوند، آماده‌ام.»
- 12 خداوند فرمود: «برخیز و به کوچه‌ای که آن را 'راست' می‌نامند برو و در خانهٔ یهوذا سراغ شخصی به نام شائول طرسوسی را بگیر. او به دعا مشغول است
- 12 و در رؤیا مردی را دیده است به نام حناتیا که می‌آید و بر او دست می‌گذارد و بینایی او را باز می‌گرداند.»

- 13 حناتیا عرض کرد: «خداوند دربارهٔ این شخص و آن‌همه آزار که او به قوم تو در اورشلیم رسانیده است، چیزهایی شنیده‌ام
- 14 و حالا از طرف سران کاهنان اختیار یافته و به اینجا آمده است تا همهٔ کسانی را که به تو روی می‌آوردند دستگیر کند.»
- 15 اما خداوند به او گفت: «تو باید بروی زیرا این شخص وسیله‌ای است که من انتخاب کرده‌ام تا نام مرا به ملتها و پادشاهان آنان و قوم اسرائیل اعلام نماید.
- 16 خود من به او نشان خواهم داد که چه رنجهای بسیاری به‌خاطر نام من متحمل خواهد شد.»
- 17 پس حناتیا رفت، وارد آن خانه شد و دست بر شائول گذاشت و گفت: «ای برادر، ای شائول، خداوند یعنی همان عیسی که بین راه به تو ظاهر شد، مرا فرستاده است تا تو بینایی خود را بازیابی و از روح‌القدس پر گردی.»
- 18 در همان لحظه چیزی مانند پوسته از چشمان شائول افتاد و بینایی خود را بازیافت و برخاسته تعظیم گرفت.
- 19 بعد از آن غذا خورد و قوّت گرفت. شائول مدتی در دمشق با ایمانداران به سر برد
- 20 و طولی نکشید که در کنیسه‌های دمشق به طور آشکار اعلام می‌کرد که عیسی، پسر خداست.

## Evangelium

Markus 7,31-37

- 31 عیسی از سرزمین صور برگشت و از راه صیدون و دکاپولس به دریای جلیل آمد.
- 32 در آنجا مردی را پیش او آوردند که کر بود و زبانش لکنت داشت. از او درخواست کردند که دست خود را روی آن مرد بگذارند.
- 33 عیسی آن مرد را دور از جمعیت، به کناری برد و انگشتان خود را در گوشهای او گذاشت و آب دهان انداخته، زبانش را لمس نمود.
- 34 بعد به آسمان نگاه کرده اهی کشید و گفت: «افتح» یعنی «باز شو.»
- 35 فوراً گوشهای آن مرد باز شد و لکنت زبانش از بین رفت و خوب حرف می‌زد.
- 36 عیسی به آنان دستور داد که به کسی چیزی نگویند. اما هرچه او بیشتر ایشان را از این کار باز می‌داشت آنها بیشتر آن را پخش می‌کردند.
- 37 مردم که بی‌اندازه متحیر شده بودند، می‌گفتند: «او همهٔ کارها را به خوبی انجام داده است، کرها را شنوا و لالها را گویا می‌کند.»